

دُرسی از دریای متون (۳)

بهر روز ایمانی

ابراهیم بن عبدالله ابرقوهی
کاتب دیوان حافظ

مجموعه شماره ۵۵۵ انستیتو نسخه‌های خطی تاجیکستان، در فاصله سال‌های ۸۰۵ - ۸۰۷ ق. به خط دو کاتب به نام‌های محمد بن عبدالواحد هروی و ابراهیم بن عبدالله بن عمر المعلم الحافظ ابرقوهی، مکتبی به ابوالحکم، رقم خورده است. این مجموعه را استاد افشار به تفصیل معرفی کرده‌اند.^۱ اعتبار و اهمیت این مجموعه، به وجود ۴۱ غزل حافظ در آن است که به سال ۸۰۷ ق کتابت شده.^۲

رقم ابرقوهی در مجموعه مذکور، در پایان رساله‌های زیر دیده می‌شود:

۱. عقاید الفرقة الناجية (عربی) از عضدالدین ایجی (حاشیه ۳۲ ب - ۳۴ الف) - تصاویر.

۲. دیوان عبید زاکانی (حاشیه ۴۶ ب - ۱۶۵ الف): کتابت در ۷۰۸ ق. - تصاویر.

با توجه به همخوانی خط عقاید الفرقة الناجیه و دیوان عبید با خط غزلیات حافظ، احتمالاً این غزلیات نیز کتابت ابرقوهی است. - تصاویر.

اما ابرقوهی، علاوه بر مجموعه مذکور، مجموعه دواوین شماره ۳۸۲۲ کتابخانه نور عثمانیه را هم به سال ۸۲۵ ق. تحریر کرده است. این، همان مجموعه‌ای است که دیوان حافظ نیز در آن مندرج است و کسانی که در تصحیح دیوان حافظ از این دستنویس نورعثمانیه استفاده کرده‌اند، از جمله مرحوم خانلری، به نام کاتب آن، اشاره نکرده‌اند.^۳

۱. ر.ک: سفینه و بیاض و جنگ، صص ۱۰۷ - ۱۳۰.

۲. ر.ک: گزیده غزلیات حافظ (مقدمه).

۳. دیوان حافظ، ج ۲، صص ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵.

اما مجموعه مذکور، دیوان‌های زیر را شامل است:

۱. دیوان سلمان ساوجی، (۱- ۲۴۹):

آغاز: هر دل که در هوای جمالش مجال یافت
انجام: هم خال سیاهت حجرالاسود ما
انجامه: «تمت الكتاب بعون الله تعالى و الصلوة على خير خلقه محمد و آله. كتبه العبد الضعيف ابراهيم بن عبدالله بن عمر المشتهر ابوالحکم عفا الله عنهم» ← تصاویر.

۲. دیوان حافظ (۱- ۱۰۲ حاشیه):

آغاز: الا يا ايها السّاقى ادر كأساً و ناولها
انجام: گفتم که لب، گفت لبم آب حیات
انجامه: «تم الأشعار من نتائج افكار المولى الأعظم السعيد شمس الملة و الدين محمد الحافظ الشيرازى - نور الله مرقدہ - فى شهور لسنة خمس و عشرين و ثمانماية و الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين.» ← تصاویر.
 ۳. دیوان کمال خجندی (۱۰۳- ۲۳۸ حاشیه).

آغاز: افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال

انجام: عیبی دیدم سر علم افتاده
انجامه: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب من نتائج الافكار الشيخ العارفين، كمال الملة والدين الخجندی - تعمدہ الله بقرانه - فى شهور لسنة خمس و عشرين و ثمانماية و الحمد لله اولاً و آخراً و الصلوة والسلام على نبيه محمد خير خلقه ظاهراً و باطناً و على آله محرّره اقل عباد الله الغنى ابراهيم بن عبدالله الابرقوبى حامد لربه» ← تصاویر.

۴. غزلیات جامی (۲۳۹- ۲۴۵): عبدالرحمن جامی

آغاز: مشو سنگین دلا مشغول چوگان باختن چندین
 غزلیات جامی به قلمی دیگر بر مجموعه افزوده شده است.

تمامی اسامی

(انتحال یک اثر در شرح نمادها و اصطلاحات عرفانی)

مجموعه نظم و نثر شماره ۸۲۷ کتابخانه نجیب پاشا (استانبول - کتابخانه سلیمانیه) را کاتبی دانشور و سراینده به نام عمادالدین مسعود سمرقندی، رقم زده است. او چنانکه در مقدمه مجموعه متذکر شده، در سفرهایی که داشته، به حضور «فخرالملة و الدنيا و الدین، چلبی عیسی بک بن محمد بن آیدین» رسیده و از عنایت و رعایت او برخوردار شده است. روزی در نزد وی، ابیاتی از یکی از فضیای عرب خوانده که مورد

توجه این بیگ عثمانی قرار گرفته، و عمادالدین مسعود به اشاره او، آن ابیات را تحریر و به پارسی ترجمه کرده است. پس از آن، بر آن شده که از لطایف کلام بزرگان و فضیلتی عرب، آنچه را مرغوب و مطلوب است، برگزیده و با ترجمه فارسی آنها در مجموعه‌ای فراهم آورد. البته جز ابیات تازی و ترجمه پارسی آنها، مطالب دیگری نیز در مجموعه او ثبت شده است.

محتوای مجموعه، عبارت است از:

۱. دیباچه گردآورنده که سطرهایی از آغاز آن افتاده است (۱ پ - ۵ پ).

۲. قصیده ریحیه (۶ پ - ۱۰ پ) با آغازینه:

چيست صافی جوهری همچون خرد روشن روان
آتشی سیال کابی منعقد باشد روان
که فریدون عکاشه^۱ (ادیب و دانشور سده ۸ ق) آن را در ستایش جمال‌الدین شیخ ابواسحاق (حک: ۷۴۲-۷۵۸ق) سروده^۲، و عمادالدین مسعود، با تغییراتی، به نام خود نموده و به عیسی‌بک مذکور، اتحاف کرده است:

فخر دنیا و دُول، عیسی بک، آن شاهی که هست
خاک درگاهش به استحقاق تاج خسروان^۳
۳. نامه‌ای به ترکی عثمانی که به خط عمادالدین مسعود نیست (برگ ۱۱ پ ۱۲ رو).

۴. غزلیات و قصایدی به پارسی از عمادالدین مسعود در ستایش عیسی بک، که البته در ادامه این پارسیات، اشعار تازی نیز با عنوانهایی چون «فی الخمریات»، «و لهذا العبد عند تخلیصه تجار المسلمین من ایدی الافرنج باعطاء مائة الف درهم...» و «للعبد فی اللطایف و النصایح و التنبیها...» رقم خوره است (برگ ۱۱ پ - ۳۰ رو).

۵. گفتاری در ماههای سربانی (۳۱ پ - ۳۲ رو) که به خط عمادالدین مسعود نیست.

۶. عبارات و اشعار عربی و ترجمه پارسی آنها در زیر عبارات و مصراعها به صورت تحت اللفظی (برگ ۳۴ پ - ۸۶ رو).

در این بخش، ابیاتی ثبت شده از: منتبّی، محمود وراق، ابی العلاء معری، قطب‌الدین شیرازی، جنید بغدادی، امام علی(ع)، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، فاضل مرندی، بدیع‌الزمان همدانی، خواجه نصیرالدین طوسی، فخرالدین رازی، منصور حلاج، امام شافعی، نجم‌الدین کبری، ابوعلی سینا، شهاب‌الدین سهروردی، حاتم طائی، ابن رومی، حریری (صاحب مقامات)، غیاث‌الدین محمد، مجنون عامری، سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، ابی‌اسحاق شیرازی، امام زین‌العابدین(ع)، سکاکی (صاحب مفتاح)، زمخشری (صاحب کشاف)، ابی‌بکر خوارزمی، صاحب بن عباد.

علاوه بر اشعار تازی، عباراتی نیز از بزرگان و حکما با ترجمه پارسی آنها آمده است: اردشیر، انوشروان،

۱. درباره فریدون عکاشه (ر.ک: منشآت و اشعار فریدون عکاشه): دکتر زهرا ریاحی زمین، فارس شناخت؛ دوره جدید، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴، صص ۷-۸۰).

۲. مجموعه عمادالدین مسعود، برگ ۸ پ.

۳. منشآت فریدون عکاشه، برگ ۲۵ رو.

موید الفرس، نسخهٔ مکتوبی که امیرالمؤمنین - کرم الله وجهه - نوشته است به ابن حنیف - رضی الله عنه - که در بصره از جانب امیرالمؤمنین، عامل بود.

۷. نسخهٔ مکتوب شیخ الاعظم، مقتدی مشایخ العالم، صدر المله و الدین القونوی - قدس الله سره - الی الحکیم المحقق خواجه نصیرالدین الطوسی - رحمه الله (برگ ۸۹ پ - ۹۳ رو)¹.

۸. نسخهٔ جواب حضرت شیخ صدرالدین از مکتوب خواجه نصیرالدین - قدس الله روحهما. (برگ ۹۳ رو - ۹۶ پ).

۹. تمامی اسامی (برگ ۹۶ رو - ۱۰۷ رو): زک: سطور پسین.

۱۰. ترجمهٔ باب صد و سی و هفتم از کتاب الحاوی فی الطب (اثر زکریای رازی): برگ ۱۰۹ رو - ۱۱۹ رو. از فراهم آورنده مجموعه، یعنی عمادالدین مسعود سمرقندی، اطلاعاتی در دست نیست و از لابلای اشعار و نوشته‌های او می‌توان تا حدودی، آگاهی‌هایی به دست آورد:

- از مقریان عیسی بن محمد بن آیدین بوده، و این عیسی، از امرای آیدین اوغلی است که از سال ۷۴۹ تا ۷۹۳ ق در آیدین (مغرب آسیای صغیر) به حکمرانی پرداخت.

- شاعر دو زبانه بوده و نمونه‌هایی از سروده‌های پارسی و تازی خود را در مجموعهٔ مذکور، ثبت کرده است.

- اهل سیر و سفر بوده و در یکی از این اسفار، اسیر اهل فرنگ شده و توسط تجار مسلمان، رهایی یافته، و در این باره، قصیده‌ای سروده است (مجموعهٔ مذکور، برگ ۲۵ پ - ۲۶ پ).

- به سن کهنولت رسیده و غزلی در ظهور پیری سروده است:

جفای دور فلک بین که بعد روزی چند چه بد معامله‌ای کرد با من رنجور
گرفت مشک و عبیرم که بود قوت روح به هرزه داد عوض، بی‌رضای من، کافور...

(برگ ۴۲۴ رو)

مجموعهٔ عمادالدین به خط نسخ جلی کتابت شده، و احتمالاً به قلم خود او تحریر یافته است. ۱۲۰ برگ دارد و بدون ترقیمه است و از تاریخ و محل کتابت در آن، نشانی نیست.

اما آنچه در مجموعهٔ مذکور، جالب توجه است، رساله‌ای با عنوان تمامی اسامی در شرح نمادها و اصطلاحات عرفانی است. در تطبیق و مقایسهٔ با رشف الالفاظ فی کشف الالفاظ شرف‌الدین حسین بن الفتی تبریزی، دانستم که عمادالدین، این رساله را انتقال کرده و به نام خود درآورده، همچنانکه قصیدهٔ حقیقیهٔ عکاشه را نیز در شمار اشعار خود جا زده است. الفتی تبریزی^۲ به حیث زمانی، مقدم بر عمادالدین مسعود بوده، و در سالهای ۷۳۰ و ۷۳۴ و ۷۶۱ ق در مکه و مصر و قدس بوده، و نزد محدثان عصری، علم حدیث خوانده و حدیث شنیده بوده است. در تصوف و عرفان، تسلط کامل داشته و اثری از وی در شرح

۱. اجوبه المسائل النصیریة، ص ۱۷۳.

۲. دربارهٔ الفتی تبریزی و اثر او، ر. ک: مقدمهٔ استاد مایل هروی بر رشف الالفاظ.

نمادها و مصطلحات عرفانی به نام رشف الالفاظ باقی مانده که به اهتمام استاد نجیب مایل هروی به چاپ رسیده است (تهران، مولی، ۱۳۶۲، چاپ دوم: ۱۳۷۷).

عمادالدین با حذف نام الفتی از دیباچه رشف الالفاظ چنین وانمود کرده که این اثر، تألیف خود اوست: ... اما بعد، بیاید دانست که عالم معانی را ادراک نتوان کرد مگر در لباس صورت ... (برگ ۹۶ پ) و در رشف الالفاظ آمده:

... اما بعد، فقیر حقیر، حسین بن احمد تبریزی - ختم الله عواقب اموره بالخیر - می گوید: باید دانست که عالم معانی را ... (صص ۳۳ - ۱۳۴).

عمادالدین در جای دیگر که شروع نمادها را شروع کرده، آورده است: ... فقیر حقیر، بعون الله و حسن توفیقه، در این شروع، شروع کرد و نام این مختصر تمامی اسامی نهاد ... (برگ ۹۸ پ) و در رشف الالفاظ آمده:

و این فقیر حقیر، در این شروع، شروع کرده، نام این مختصر را رشف الالفاظ فی کشف الالفاظ نهاد... (ص ۳۷).

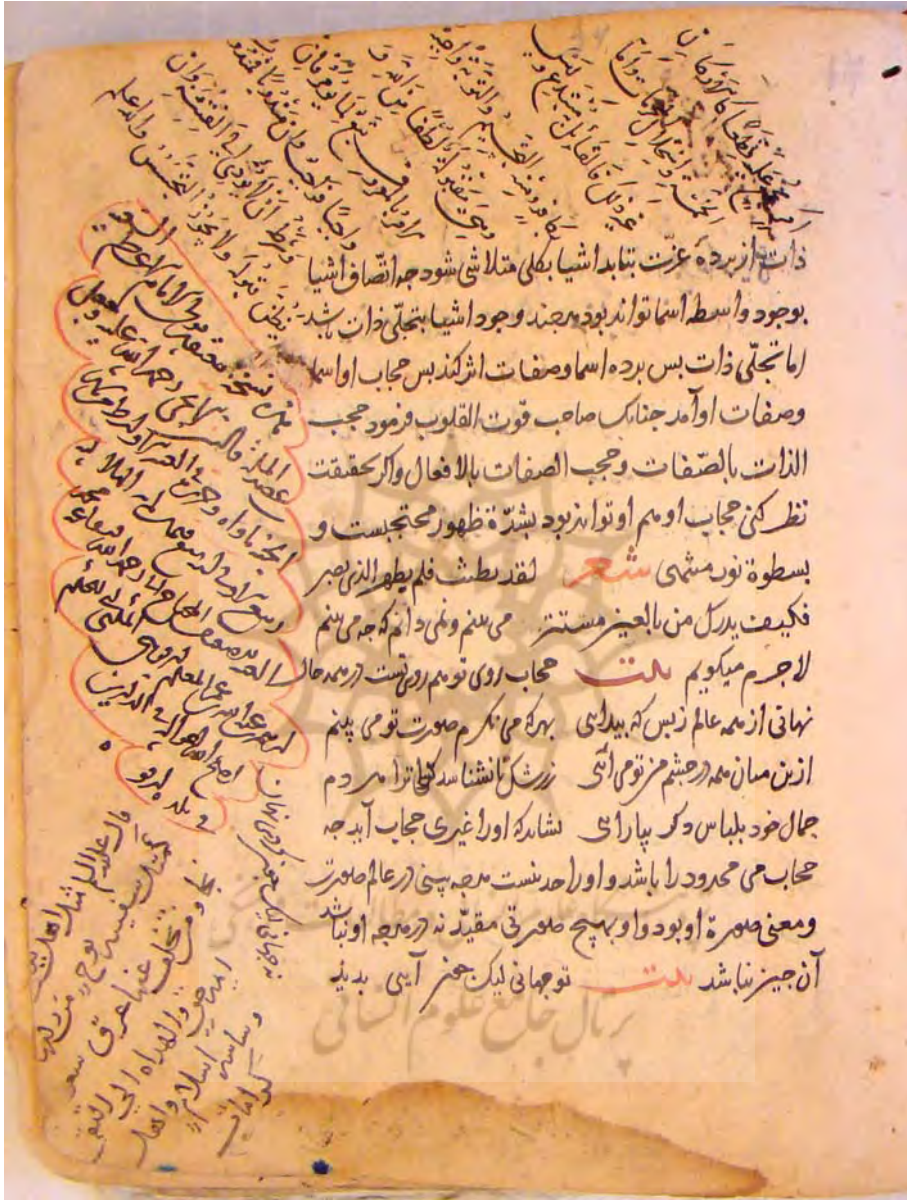
ابواب سه گانه تمامی اسامی با رشف الالفاظ همخوان است و به همان عباراتی پایافته که رشف الالفاظ تمام شده، جز این که عمادالدین در انجامه خود آورده است: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب، نَمَقٌ بِالْإِشَارَةِ الْعَالِيَةِ السُّلْطَانِيَّةِ - لَزَالَتْ نَافِذَةً بِالْعِنَابَةِ الرَّحْمَانِيَّةِ بِحَرَمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ».

واژه «نَمَقٌ» حاکی از این است که عمادالدین رشف الالفاظ را پیراسته و ویراسته، اما چرا در دیباچه اثر، نام مؤلف (فتی تبریزی) حذف کرده، و چرا عنوان رساله را تغییر داده است؟ آیا در امانت‌داری او نباید تردید داشت؟

در پایان، سپاسگزارم از دوست دانشورم جناب آقای سید محمدتقی حسینی که تصویر مجموعه نورعثمانیه را برای اینجانب تهیه کردند.

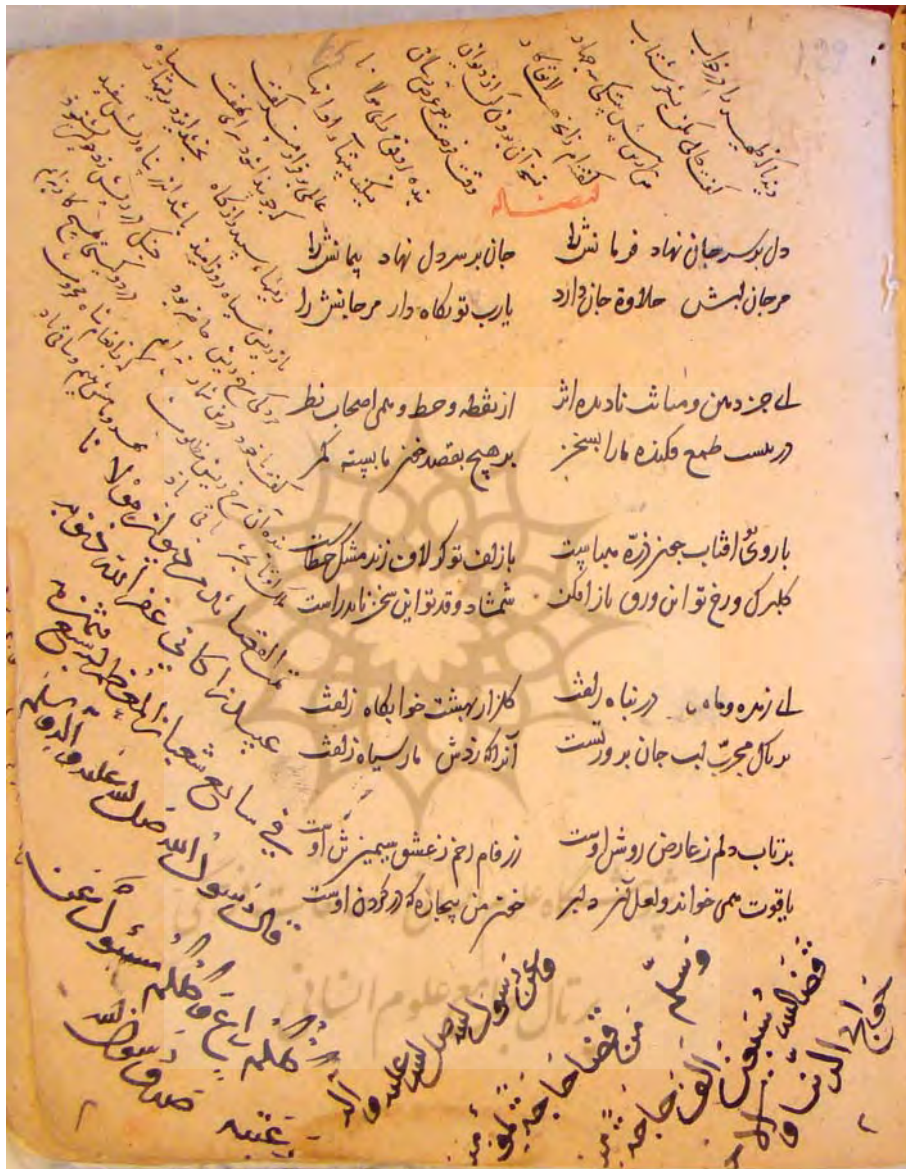
منابع:

۱. اجوبه المسائل النصيرية: (مشمول بر ۲۰ رساله) تحقیق و تصحیح عبدالله نورانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
۲. دیوان حافظ، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۳. رشف الحافظ فی کشف الالفاظ: الفتی تبریزی، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران، مولی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۴. سفینه و بیاض و جنگ، ایرج افشار، به کوشش میلاد عظیمی، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
۵. گزیده غزلیات حافظ «نسخه ۸۰۵ ق»، به کوشش امر یزدان علیمردان و ظاهر احراری، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
۶. منشآت فریدون عکاشه: دستنویس شماره ۲۲۶۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.



پیام بهارستان / د ۲، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

پایان عقاید فرقه الناجیه از مجموعه دوشنبه



پایان دیوان عبید ذاکانی از مجموعه دوشنبه



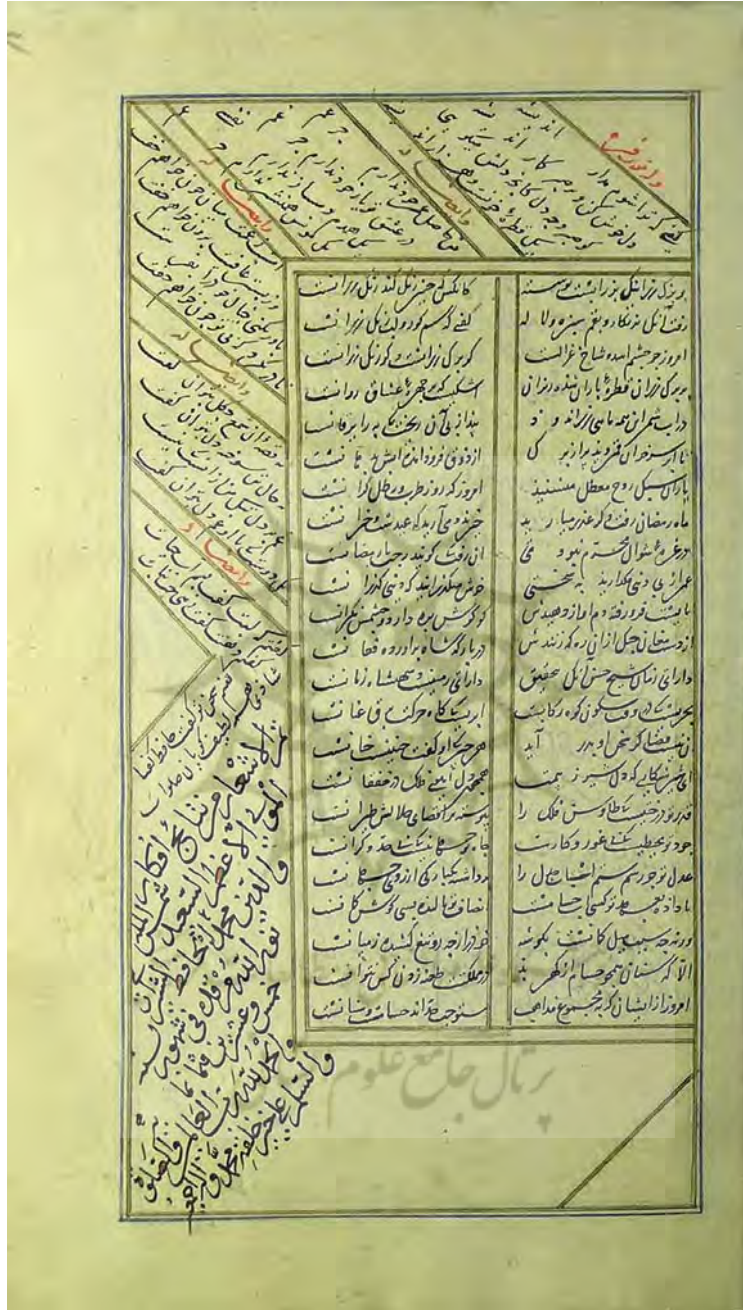
پیام بهارستان / ۲۰، س، ۶، ش، ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

پایان اشعار حافظ از مجموعه دوشنبه



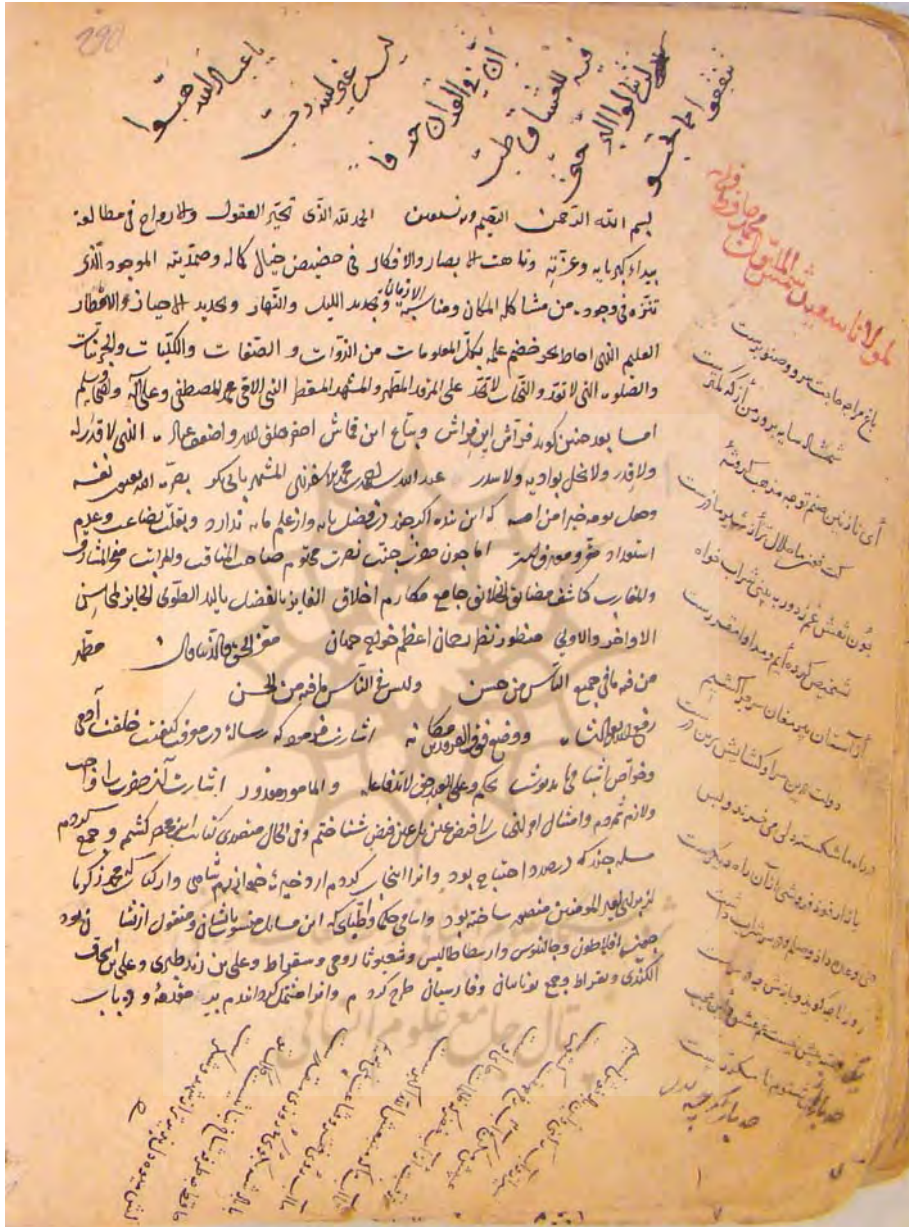
آغاز دیوان حافظ از مجموعه نور عثمانیه

پیام بهارستان / ۲۲، س. ۶، ش. ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲



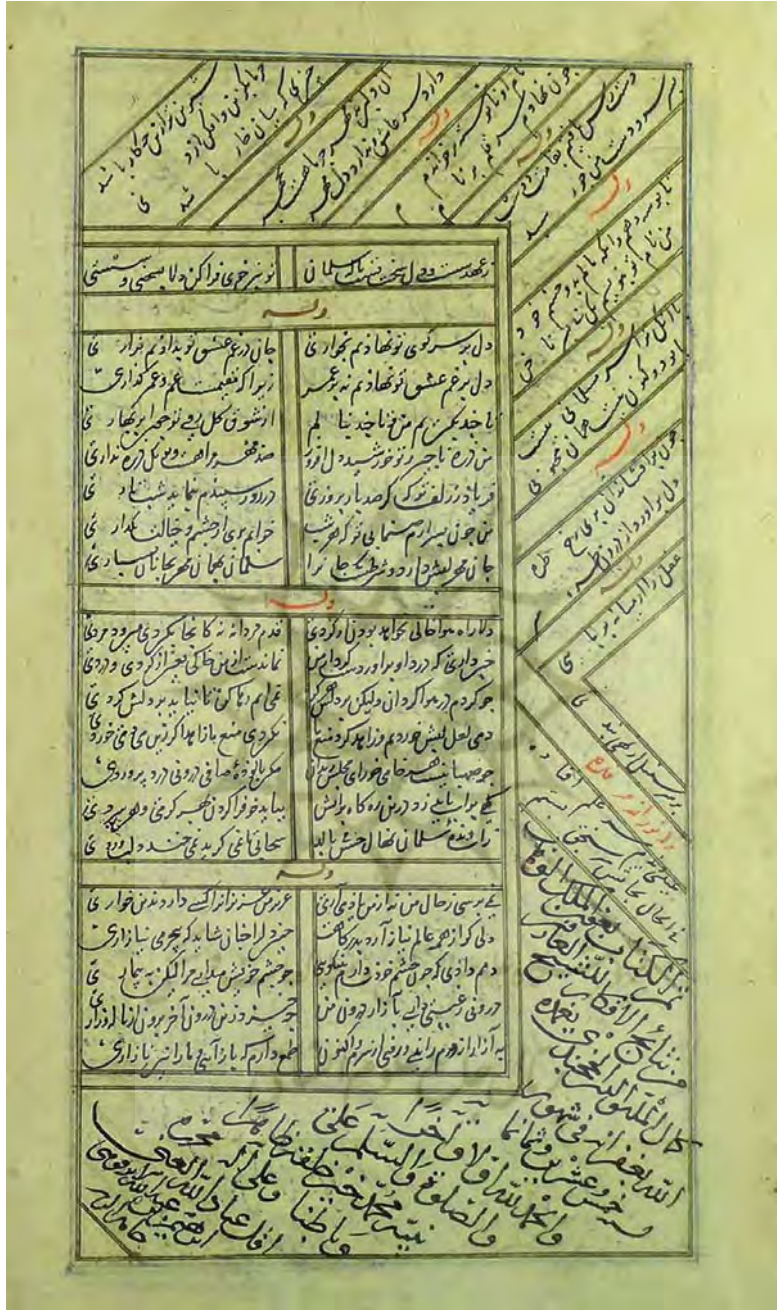
پایان دیوان حافظ از مجموعه نور عثمانیه

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / زمستان ۱۳۹۲

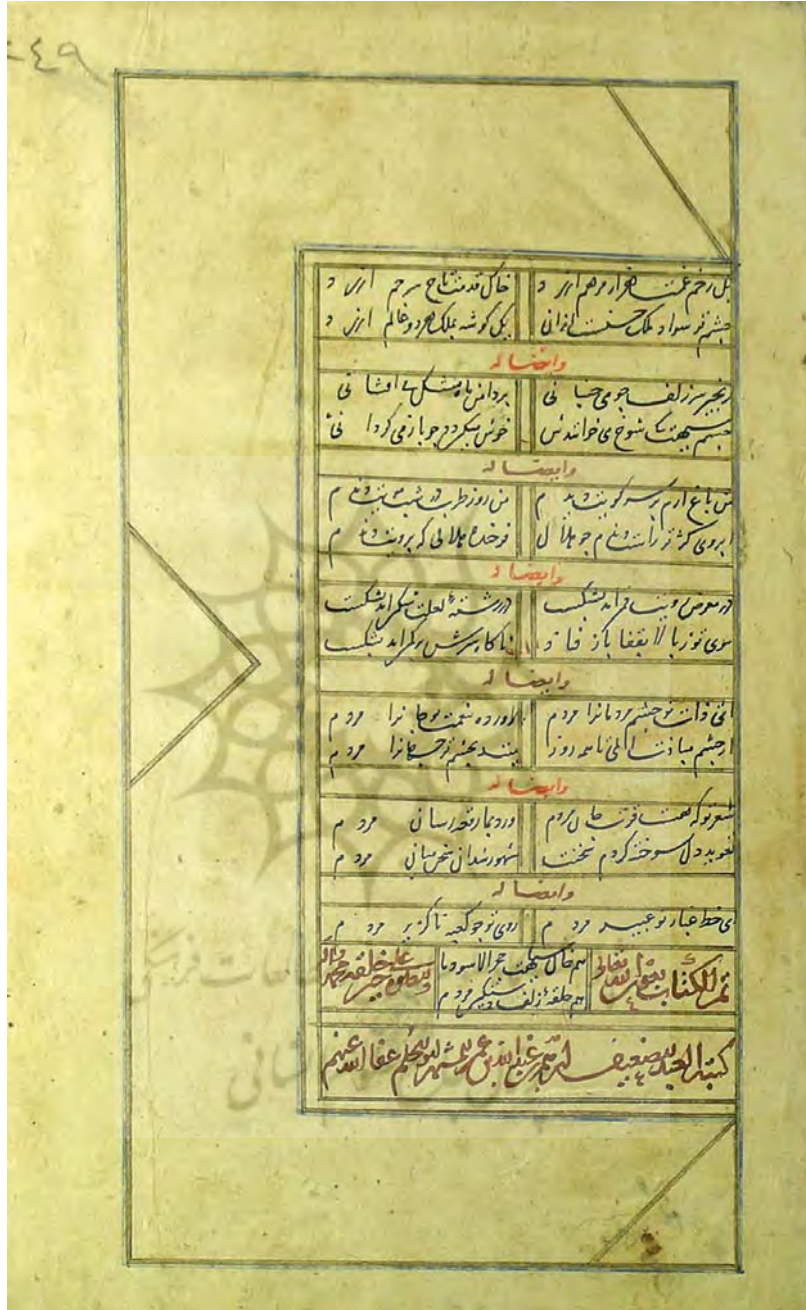


اشعار حافظ از مجموعه دوشنبه

پیام بهارستان / ۲۲، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲



پایان دیوان کمال خجندی از مجموعه نور عثمانیه



پایان دیوان سلمان ساوجی از مجموعه نور عثمانیه

پیام بهارستان / ۲۲، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

وقف

أَحْلَاهُ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمَ، وَأَنْشَأَ مَشَارِعَ
 الْبَيْتِ الْعَقِيمِ، وَعَلَىٰ مِنْ أَقْنَىٰ أَرْهَمِ مِنَ الَّذِينَ
 يَا أَيُّمَ يُعْتَدَىٰ يَهْتَدَىٰ، وَالَّذِينَ بَاهِمٍ مَحْدَىٰ
 يَحْتَدَىٰ، وَبَعْدَ نَانَ الْعَبْدِ الضَّعِيفِ،
 الرَّاجِي رَحْمَةَ رَبِّهِ اللَّطِيفِ، عَلَّمَسَعِدِ الْمَعْدِي
 أَصْلَحَ اللَّهُ بِأَلِهِ لِمَا سَاقَهُ سَابِقَ الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ
 إِلَىٰ اخْتِيَارِ الْمَسَافِرَةِ عَلَىٰ الْإِقَامَةِ وَالْحَضْرَةِ
 تَرَىٰ مَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَلَا أُذُنَ سَمِعَتْ
 مِنْ الْعَجَائِبِ وَالْعَبَائِبِ، وَأَصَابَ بَدَنَهُمَا بِلَا مِ
 أَوْ بِنَا فَمَا لَمْ يَكُنْ يَدْخُلُهُ أَوْ دَيْدَةُ الْأَوْصَامِ
 وَالْفِكْرَةِ، وَمِنْ أَحْسَنِ مَا أَنْفَعَنَا فِي هَذِهِ
 الْأَسْفَارِ، أَيْ وَقَدَرْتُ بَعُونَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ
 عَلَىٰ جَنَابِ السُّلْطَانِ مِنَ السُّلْطَانِ، ظَلَمَ الْعَالَمِ
 الْمُتَنَاتِ، أَعْظَمَ مِنْ طَلَبِ الْبِلَادِ وَسَائِرِ الْعِبَادِ
 شَأْنَهُ، وَأَسْجَعَهُمْ حَاشَا وَجَنَانَهُ، وَأَتْرَاهُمْ

کتابخانه جامع آیت الله العظمی
امام خمینی

و در مقام کتاب دریا مجمع شهرها و بیابان
 و در پیشگاه و در پیشگاه و در پیشگاه و در پیشگاه
 مدد نیز نیر از انصاف و در پیشگاه و در پیشگاه
 سخن بدیده بعد ما مسعود قانما از علی الدین



پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / زمستان ۱۳۹۲

آغاز (ناقص) مجموعه عمادالدین مسعود سمرقندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 حمد و سبّاس خدایی را که در معانی با در تحت صورت بیانی عیان
 می‌کند و طراز حقاقت در پس پرده عجاز نمان می‌گرداند و درود
 بسیار بر مصداک اینات و بخت موجودات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
 باد و بر یاران و اتباع و اشیاع او رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد
 بیاید آنست که عالم معانی با ادراک توان کرد مگر در لیاقت صورت
 زیرا که معانی از آن روی که معانی لطیفند و وجود روحانی
 مادام که از صورت مجرد باشد ادراک بشری بدان راه
 نتواند برد زیرا که آلت ادراک بشریت دوست یکی عمل و یکی
 حس و هر چه از انواع ادراکات و معلومات تقدیر کنند بواسطه
 این دو آلت باشد اما عقل را تا قاعده در نوعی از صور محمد
 نباشد و ادراک تغییر نباشد چنانکه اگر وجود نقطه تقدیر
 نکند خط معقول نباشد و اگر خط تقدیر نکند حروف بوجود
 نیاید و اگر حروف نبود اسامی صورت نبندد و اگر اسامی نبود
 معانی مفصوم نشود و احوال این اگر فردی تقدیر نکند و حقیقت
 معقول نشود و اما حس را تا حرفی یا صوتی یا لونی یا بویی
 یا طبعی یا طبعی گرم یا سرد نباشد هیچ ادراک نکند و عالم معانی

پیام بهارستان / د، ۲، ۶، ش، ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

آغاز تمامی اسامی

درین مبحث بخل نموده اکثر مردم نظر بر ظواهر الفاظ می دارند و از معانی
 تحتانی نسبت تصور دانش از حقایق الفاظ محروم می مانند و واجب دید
 این الفاظ و اسامی را شرحی کردن تا هر که شروع کند در بیان ایشان
 داند که مقصود ایشان برین صورت ظاهری نبوده است و آنکه نظر
 ایشان تا کجا بوده است و ازین الفاظ و معانی مختصره معانی حقیقی
 خواسته اند این فقیر حقیر بجزوالله و حسن توفیق درین شروع شروع
 کرد و نام این مختصر تمامی اسامی فضا دانست **الکمال** از خط امیر باشد
 و مقبول کافه ارباب قلوب بود **بحر الملک العزیز** فصل اول از اسامی
 معشوقه ای متعلق معشوقه و کلمه چند که ابتدا کردن بر وضوری
 بود تا فاعله معلوم شود میل رجوع را گویند بصل خود بی شعور
 و آگاهی از اصل و مقصد رجوع طبعی چون جادان و طبایع اربعه که
 بی اختیار و مایل اصلند آرزو میلست باصل خود بانکه آگاهی و علمی
 بعضی از اصل و مقصد معریست باصل خود با وجود علم و آگاهی
 از یافت لذت دریافت مقصد محبت دوستی محض را گویند بی سببی
 و علاقه و بی حرکتی با حق تعالی **نجیب** صاحب دوستی محض را گویند خاص
 با حق تعالی عامتر از آنکه طلب مقارن آن باشد یا نه **جینید** طلب باشد **حسینید**
 طلب باشد محبوب حق تعالی را گویند و حق مستغنی از دوستی خداوند او را

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / زمستان ۱۳۹۲

خرده گیری را کوندا ز هر طرف که باشد گفت و کوی 107
عتاب محبت آمیز را کوندا شست و شوی برداشتن
خرده ها را کوندا که از بقصیر دور وجود آمدن باشد و صفا
حضور عاشق و معشوق اسالدهال که عاقبت کافه
طلاب محقق و ارباب جاده طریق را ختم کار
بر شست و شوی باشد تا ازین جمله باشد که و ختامه
مسک و فی ذلک فلیتناضض المتناضضون ولله اعلم

بسم الکتاب بعون الملک العباب

نمق بالاشان العالیه اللطاف

لازلت نافذ بالعنايه

الرحمانیه بحمد محمد

والله اعلم اللم

احقر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پایان تمامی اسامی